

Journal of Islamic Human Rights

Volum 1, Consecutive Number 1, 2024

Journal Homepage: <https://islamichumanrights.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Human Rights as a Tool to Combat Climate Change

Mohadeseh Ghavamipour Sereshkeh^{1*} , Amirreza Mahmoudi²

1. PhD Student in Criminal law and Criminology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.
mohadesehghavamipour@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

Abstract

Climate change, as one of the contemporary pervasive and multidimensional challenges, has far-reaching consequences for the realization and implementation of human rights. In response to this challenge, the new rights-based approach to confronting climate change has provided a platform for enhancing monitoring, judicial, and policymaking capacities at the international and transnational levels. Using a descriptive-analytical method and focusing on the jurisprudence of the European Court of Human Rights, the mechanisms of the Council of Europe, and recent developments in the United Nations system, this research examines the feasibility and challenges of using human rights instruments to mitigate and compensate for the negative effects of climate change. The results of this study show that although human rights can partially cover the monitoring gaps of environmental treaties such as the Paris Agreement, structural obstacles such as jurisdictional limitations, proof of causality, and territorial jurisdiction frameworks pose serious challenges to legal pursuits. However, procedures such as the advisory opinion of the Inter-American Court of Human Rights and pioneering rulings such as the case of *Organda v. the Netherlands* are paving the way for a transformation in the interpretation and development of positive responsibilities of states within the framework of Articles 2 and 8 of the European Convention on Human Rights. In this regard, the actions of institutions such as the Parliamentary Assembly of the Council of Europe in proposing the accession of a new protocol on the “right to a healthy environment” as well as the UN Human Rights Council Resolution 48/13 on the universal recognition of this right indicate a paradigm shift in the legal literature governing climate governance. Finally, the present study emphasizes that strengthening the institutional link between human rights systems and international climate regimes can be one of the effective strategies on the path to sustainable development, intergenerational justice and the protection of human dignity in the era of climate crisis.

Keywords: human rights, climate change, European Court of Human Rights, Council of Europe, United Nations

- Ghavamipour Sereshkeh, M., Mahmoudi, A R. (2024). Human Rights as a Tool to Combat Climate Change, *Journal of Islamic Human Rights*, 1(1), 1-27.



مجله حقوق بشر اسلامی

دوره اول - شماره اول - ۱۴۰۳

صفحات ۱-۲۷ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۸/۲۴ - پذیرش ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ - انتشار ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

حقوق بشر به عنوان ابزاری برای مبارزه با تغییرات اقلیمی

محدثه قوامی پور سرشکه^{۱*}، امیررضا محمودی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

mohadesehghavamipour@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

چکیده

تغییرات اقلیمی، به عنوان یکی از چالش‌های فراگیر و چندبُعدی معاصر، پیامدهای گسترده‌ای بر تحقق و اجرای حقوق بشر دارد. در پاسخ به این چالش، رویکرد نوین حقوق‌محور در مقابله با تغییرات اقلیمی، بستری برای ارتقاء ظرفیت‌های نظارتی، قضایی و سیاست‌گذاری در سطح بین‌المللی و فراملی فراهم کرده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و تمرکز بر رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر، مکانیسم‌های شورای اروپا و تحولات اخیر در نظام ملل متحد، به بررسی امکان‌سنجی و چالش‌های بهره‌گیری از ابزارهای حقوق بشری در کاهش و جبران آثار منفی تغییرات اقلیمی می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هرچند حقوق بشر می‌تواند خلأهای نظارتی معاهدات زیست‌محیطی مانند توافق‌نامه پاریس را تا حدی پوشش دهد، اما موانع ساختاری همچون محدودیت‌های صلاحیتی، اثبات رابطه علی، و چارچوب‌های صلاحیت سرزمینی، چالش‌هایی جدی برای پیگیری‌های حقوقی ایجاد می‌کند. با این وجود، رویه‌هایی نظیر نظر مشورتی دادگاه بین‌المللی آمریکایی حقوق بشر و احکام پیشگامانه‌ای مانند پرونده اورگندا علیه دولت هلند، زمینه‌ساز تحول در تفسیر و توسعه مسئولیت‌های ایجابی دولت‌ها در چارچوب مواد ۲ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هستند. در همین راستا، اقدامات نهادهایی همچون مجمع پارلمانی شورای اروپا در پیشنهاد الحاق پروتکل جدید پیرامون «حق بر محیط زیست سالم» و همچنین قطعنامه ۱۳/۴۸ شورای حقوق بشر سازمان ملل مبنی بر به رسمیت شناسایی جهانی این حق، نشانگر تغییر پارادایم در ادبیات حقوقی حاکم بر حکمرانی اقلیمی است. در نهایت، پژوهش حاضر تأکید می‌کند که تقویت پیوند نهادمند بین نظام‌های حقوق بشری و رژیم‌های اقلیمی بین‌المللی، می‌تواند یکی از راهبردهای مؤثر در مسیر توسعه پایدار، عدالت بین‌نسلی و صیانت از کرامت انسانی در عصر بحران اقلیمی باشد...

کلیدواژه: حقوق بشر، تغییرات اقلیمی، دادگاه اروپایی حقوق بشر، شورای اروپا، سازمان ملل متحد،

- قوامی پور سرشکه، محدثه؛ محمودی، امیررضا. (۱۴۰۳). حقوق بشر به عنوان ابزاری برای مبارزه با تغییرات اقلیمی، مجله حقوق بشر اسلامی، ۱(۱)، صفحات ۱-۲۷.

مقدمه

تغییرات اقلیمی امروزه به عنوان مسئله‌ای با تأثیرات جهانی که مستقیماً بر زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد، ظاهر شده است. به طوری که به دلیل جدیت پیامدهای منفی احتمالی تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسانی در آینده و دشواری‌های مواجهه شده در اقدامات لازم برای به حداقل رساندن این مشکلات، شاهد نامگذاری این مسئله به عنوان «بحران اقلیمی» هستیم. بی‌تردید این وضعیت خطرات متعددی را از منظر حقوق بشر در بر دارد.

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، تغییرات اقلیمی را «بزرگ‌ترین تهدید تاریخ برای حقوق بشر» توصیف کرده است. درواقع، ارتباط نزدیک بین تغییرات اقلیمی و حقوق بشر در سال‌های اخیر بیشتر احساس شده است. (Peel and Osofsky, 2018: 42-43) چنان که پیش‌بینی می‌شود پیامدهای تغییرات اقلیمی تهدیدات مختلفی را از نظر حقوق بشر افراد ایجاد کند. در این راستا، انتظار می‌رود تغییرات اقلیمی با غیر قابل سکونت کردن بخش‌هایی از جهان، منجر به اختلال در شیوه‌های معمول زندگی شود و بدین ترتیب پیامدهای منفی جدی بر بسیاری از حقوق اساسی مانند حق حیات، احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی و حق مالکیت داشته باشد.

در نگاه اول، می‌توان گفت که دولت‌ها در چارچوب تعهد به حفاظت از حقوق بشر، علاوه بر خودداری از اقداماتی که می‌تواند منجر به افزایش این تأثیرات تغییرات اقلیمی شود، تعهدات مثبتی نیز مانند اتخاذ اقدامات لازم برای سازگاری با پیامدهای تغییرات اقلیمی دارند. (Mayer, 2018: 77) انتظارات مندرج در مقدمه توافقنامه پاریس مبنی بر اینکه دولت‌های عضو «در اقدام برای مقابله با تغییرات اقلیمی، به تعهدات خود در قبال حقوق بشر، حق سلامت، حقوق مردمان بومی، جوامع محلی، مهاجران، کودکان، افراد دارای معلولیت و افراد آسیب‌پذیر و همچنین حق توسعه، و نیز برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان و عدالت بین نسلی احترام گذاشته، آن‌ها را ترویج کرده و در نظر بگیرند»، (Paris Agreement, 2015) این رویکرد را تأیید می‌کند. موضوع بحث‌برانگیز دیگری که مبارزه با تغییرات اقلیمی می‌تواند از نظر حقوق بشر مطرح کند، این است که چگونه تعادل بین حقوق متعارض در رابطه با محدودیت‌های احتمالی که اقدامات اتخاذ شده می‌تواند بر حقوق بشر ایجاد کند، حفظ خواهد شد.

اگرچه به‌طور گسترده پذیرفته شده است که تغییرات اقلیمی تهدیدی برای حقوق بشر ایجاد می‌کند، حقوق بشر تنها اخیراً نقش قابل توجهی در کاهش اثرات منفی تغییرات

اقلیمی ایفا کرده است. این مطالعه هدف دارد ارزیابی کلی از چگونگی استفاده از حقوق بشر به عنوان ابزاری در سطح فراملی و بین‌المللی برای رسیدگی به تغییرات اقلیمی ارائه دهد. در این چارچوب، ابتدا در بخش اول، رابطه بین تغییرات اقلیمی و حقوق بشر به تفصیل بررسی خواهد شد. در بخش دوم این مطالعه، رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر^۱ و فعالیت‌های انجام‌شده توسط سایر نهادهای شورای اروپا برای افزایش توانایی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رسیدگی به تغییرات اقلیمی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تفسیر مسائل مربوط به حقوق بشر در زمینه تغییرات اقلیمی در پرتو رویه قضایی موجود می‌تواند امکان استنتاج‌های دقیق‌تری را برای آینده فراهم کند و در نهایت، یکی از جامع‌ترین تضمین‌ها را برای حفاظت از حقوق بشر ارائه می‌دهد. بدون شک، این نهاد با تکنیک‌هایی که از طریق رویه قضایی خود برای حفاظت از حقوق و آزادی‌ها توسعه داده است، به عنوان مکانیسمی ظاهر می‌شود که پتانسیل تأثیرگذاری نه تنها در سطح منطقه‌ای بلکه در سطح بین‌المللی در اجرای این حقوق و آزادی‌ها را دارد.

در بخش آخر این مطالعه، تحولات اخیر که نقش حقوق بشر را در رسیدگی به تغییرات اقلیمی در سیستم سازمان ملل تقویت کرده است، ارزیابی خواهد شد. سازمان ملل متحد که تقریباً تمام کشورهای جهان عضو آن هستند، با اختیارات متعددی مجهز شده است که می‌تواند تأثیر قابل توجهی در حقوق بین‌الملل داشته باشد. سازمان ملل قبلاً بخشی از این اختیارات را در تهیه کنوانسیون چارچوب سازمان ملل در مورد تغییرات اقلیمی^۲ و فرآیند پیگیری آن استفاده کرده است. بنابراین، ارگان‌های سازمان ملل نیز جایگزین مهمی برای رسیدگی به خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی از نظر حقوق بشر هستند. در این مطالعه، به ویژه تحولات در ارگان‌های نظارتی سازمان ملل و شورای حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ادبیات تحقیق

خوش‌منش، پوره‌اشمی، سلطانیه و هرمیداس باوند، (۱۳۹۴). در مقاله‌ای با عنوان بررسی پیامدهای تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر منتشر شده در فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست به بررسی تأثیرات منفی تغییرات آب و هوا بر جوامع فقیر و حاشیه‌ای جهان پرداخته

1. ECHR

2. UNFCCC

و نشان می‌دهد که این تغییرات باعث تشدید نابرابری‌ها و نقض حقوق بشر می‌شود. این وضعیت موجب می‌گردد که موضوع تغییرات آب و هوا و حقوق بشر بیشتر درهم تنیده شوند و قوانین حقوق بشری موجود به‌عنوان بهترین پاسخ برای رسیدگی به این چالش‌ها و برقراری عدالت مطرح شوند. مقاله با روش توصیفی و تحلیل حقوقی به بررسی اسناد حقوق بشر و شورای امنیت سازمان ملل متحد پرداخته و نتایج آن را تحلیل می‌کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که تغییرات آب و هوا علاوه بر تأثیرات مستقیم مانند از دست دادن زمین‌های کشاورزی و کمبود آب، با ایجاد مناقشات و درگیری‌ها امنیت مناطق مختلف جهان را به خطر انداخته و حقوق بنیادین بشری مانند داشتن محیط زیست سالم، حق تابعیت و امکانات زیستی حداقلی را محدود کرده است. نقاط قوت مقاله شامل جامعیت در تحلیل اسناد حقوق بشری، ترکیب توصیفی و تحلیلی، تمرکز بر جوامع فقیر و حاشیه‌ای و ارائه راهکارهای عملی است. با این حال، مقاله در تحلیل آماری جامع‌تر و ارائه نوآوری‌های قابل توجه و پیشنهادات جدید برای استفاده از حقوق بشر در مبارزه با تغییرات اقلیمی محدودیت‌هایی دارد. مقاله ما با عنوان «حقوق بشر به‌عنوان ابزاری برای مبارزه با تغییرات اقلیمی» نسبت به این مقاله نوآوری‌های قابل توجهی دارد، از جمله تمرکز بر حقوق بشر به‌عنوان یک ابزار فعال برای مقابله با تغییرات اقلیمی، ارائه راهکارهای جدید و خلاقانه، توسعه مدل‌های تحلیلی نوین، تجمیع تجربیات جهانی و رویکرد چندبعدی که به تحلیل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تغییرات اقلیمی می‌پردازد. این نوآوری‌ها باعث می‌شود مقاله ما به‌عنوان یک منبع جدید و جامع در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد و به توسعه دانش و ارائه راهکارهای عملی کمک کند.

امینی، نساری و دریادل (۱۴۰۳). در مقاله‌ای با عنوان نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم بعد از موافقت‌نامه پاریس منتشر شده در دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر به بررسی ارتباطات نظری و عملی بین تغییرات اقلیمی و حقوق بشر پرداخته و تلاش‌های انجام‌شده برای ارتقای ظرفیت‌های قضایی و شبه‌قضایی ملی و بین‌المللی در مواجهه با سوءعملکردها یا ترک فعل‌های مخرب دولت‌ها و دیگر بازیگران جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف اصلی مقاله، تحلیل چگونگی توجیه نظری پیوندهای تغییرات اقلیمی با حقوق بشر و بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف برای دادخواهی است. همچنین، مقاله به تحلیل رویه‌های قضایی و شبه‌قضایی مختلف در این زمینه پرداخته و

تلاش می‌کند تا موانع فنی فراروی دادخواهی را شناسایی و بررسی کند و چشم‌اندازهای آتی را ارزیابی نماید. نقاط قوت این مقاله شامل تحلیل جامع و دقیق پیوندهای نظری بین تغییرات اقلیمی و حقوق بشر، بررسی رویه‌های قضایی و شبه‌قضایی و شناسایی موانع و ارائه راهکارهای عملی است. با این حال، مقاله ممکن است در ارائه نوآوری‌های کاربردی و خلاقانه محدودیت‌هایی داشته باشد. در مقایسه، مقاله ما با عنوان «حقوق بشر به عنوان ابزاری برای مبارزه با تغییرات اقلیمی» نوآوری‌هایی دارد که شامل تمرکز بر استفاده فعال و استراتژیک از حقوق بشر به عنوان ابزاری برای مقابله با تغییرات اقلیمی، توسعه مدل‌های تحلیلی جدید برای ارزیابی تأثیرات و پیشنهادات خلاقانه برای تقویت قوانین و نهادهای نظارتی است. همچنین، مقاله ما از تجربیات موفق و ناموفق جهانی برای ارائه راهکارهای جامع و عملی استفاده می‌کند که این رویکرد چندبعدی و کاربردی می‌تواند به توسعه دانش و ارائه راهکارهای عملی بیشتر کمک کند.

۱. رابطه بین تغییرات اقلیمی و حقوق بشر

اگرچه اثرات مستقیم تغییرات اقلیمی عمدتاً بر محیط طبیعی مشاهده می‌شود، آشکار است که تغییرات اقلیمی تأثیرات جدی بر انسان‌ها نیز دارد. افزایش سطح دریا، دماهای بالا و رویدادهای آب و هوایی غیرمنتظره بر معیشت و درآمد مردم تأثیر می‌گذارد، منجر به مشکلات سلامتی می‌شود و حتی خطر غیرقابل سکونت شدن برخی مناطق جغرافیایی را به همراه دارد. (Koivurova et al., 2013: 288-89) اگرچه انتظار می‌رود بخشی از این خطرات در آینده رخ دهد، در سال‌های اخیر مشاهده شده است که رویکرد متمرکز بر حقوق بشر در رسیدگی به اثرات منفی تغییرات اقلیمی گسترش یافته است، که این امر با ادعاهای مطرح‌شده توسط فعالان که بر اجتناب‌ناپذیری این تهدیدات تأکید می‌کنند، هم در دادگاه‌های ملی و هم فراملی همراه بوده است. (Mayer, 2021: 410; Peel and Osofsky, 2018: 37)

در واقع، حقوق بشر می‌تواند ابزار مؤثری در مبارزه با تغییرات اقلیمی باشد، زیرا به افراد و گروه‌ها امکان می‌دهد علیه دولت‌ها در دادگاه‌ها اقامه دعوی کنند و در موارد نقض، راه‌حل‌های مؤثری ارائه می‌دهد. (Narula, 2021: 165-66) معاهدات حقوق محیط زیست بین‌المللی مانند توافقنامه پاریس، مکانیسمی برای اقامه دعوی توسط یک فرد یا گروه در دادگاه فراهم نمی‌کنند. یکی از مزایای اصلی استراتژیک ارزیابی تغییرات اقلیمی در

چارچوب حقوق بشر، جبران فقدان چنین ابزار نظارتی است. بدین ترتیب، می‌توان به افراد و گروه‌ها تربیونی برای شنیده شدن صدایشان فراهم کرد که تحت معاهدات بین‌المللی محیط زیست مانند توافقنامه پاریس نمی‌توانند داشته باشند. (Mayer, 2021: 421) با این حال، چالش‌های مختلفی در رابطه با ارزیابی تغییرات اقلیمی در چارچوب پارادایم حقوق بشر وجود دارد.

اولین مانع این است که اگرچه معاهدات حقوق بشر به افراد و گروه‌ها اجازه می‌دهند در دادگاه‌های فراملی اقامه دعوی کنند، اثبات اینکه خواهان‌ها حق اقامه دعوی دارند، معمولاً دشوار است. دلیل این امر الزام خواهان‌ها به نشان دادن این است که قربانی نقض حقوق بشر شده‌اند و «به طور مستقیم و جدی تحت تأثیر» این نقض قرار گرفته‌اند. (Cordella v. Italy, 2019) اگر خواهان‌ها نتوانند شواهد ملموسی ارائه دهند که نشان دهد به طور مستقیم و جدی تحت تأثیر شرایط نامطلوب کل جامعه قرار گرفته‌اند، درخواست ممکن است غیرقابل قبول تلقی شود. دادگاه اروپایی حقوق بشر هنوز هیچ درخواستی را که ادعا می‌کند کنوانسیون در زمینه تغییرات اقلیمی نقض شده است، حل و فصل نکرده و بنابراین هنوز به مسئله قابلیت پذیرش نپرداخته است. با این حال، درخواست‌هایی وجود دارد که انتظار می‌رود به این موضوع بپردازند.

چالش دیگر تعیین مسئولیت است. همان‌طور که در متون حقوق بشر بین‌المللی و منطقه‌ای ذکر شده است، یک دولت تنها می‌تواند مسئول نقض حقوق فردی باشد که تحت صلاحیت قضایی آن قرار دارد. در زمینه تغییرات اقلیمی، مسائل صلاحیتی متعددی در رابطه با ایجاد مسئولیت یک دولت در قبال خسارت وجود دارد. اولین مورد این است که اگرچه هر دولت به میزان متفاوتی باعث تغییرات اقلیمی می‌شود، تأثیر دولت‌ها بر انتشار گازهای گلخانه‌ای که باعث مشاهده اثرات تغییرات اقلیمی می‌شود، تجمعی است. این بدان معناست که به دلیل اینکه چندین دولت باعث مشاهده اثرات تغییرات اقلیمی می‌شوند، برقراری ارتباط بین خسارت و یک دولت خاص دشوار خواهد بود. (Bellinkx et al., 2021: 8) در مواردی که رفتار موضوع درخواست قابل انتساب به چند دولت است، مسئله اینکه آیا یک دولت می‌تواند مسئول خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی شناخته شود یا خیر، یکی از اولین بحث‌هایی است که باید از این منظر حل شود. علاوه بر این، صلاحیت قضایی فراملی تحت حقوق بشر نیز موضوع دیگری است که باید

حل شود. از آنجا که اثرات تغییرات اقلیمی از مرزهای کشور فراتر می‌رود، خواهان‌ها ممکن است بخواهند یک دولت را مسئول انتشار گازهای گلخانه‌ای بدانند، در صورتی که انتشار گازهای گلخانه‌ای آن دولت باعث اثراتی خارج از مرزهای آن دولت شود.

با این حال، از آنجا که صلاحیت قضایی تحت حقوق بین‌الملل و به ویژه حقوق بشر اصولاً محدود به صلاحیت سرزمینی است، خسارت فرامرزی را پوشش نمی‌دهد. (Quirico et al., 2016: 23-24) پذیرفته شده است که دولت‌ها می‌توانند مسئول نقض حقوق بشر در حوزه صلاحیت خود باشند، حتی اگر این نقض فراتر از مرزهای آن‌ها رخ دهد با این حال، حتی در این مورد نیز، ایجاد رابطه مسئولیت برای دولت معمولاً مستلزم نشان دادن این است که آن دولت «کنترل مؤثر» بر افراد یا سرزمین‌های داخل دولت دیگر اعمال می‌کند. این رویکرد می‌تواند از نظر تئوری، مسئول دانستن یک دولت در چارچوب حقوق بشر برای اثرات فرامرزی انتشار گازهای گلخانه‌ای آن را دشوار کند. (Quirico et al., 2016: 25)

با این حال، با نگاهی به «نظر مشورتی محیط زیست و حقوق بشر»^۱ صادر شده توسط دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر، مشاهده می‌شود که این دادگاه رویکرد متفاوتی نسبت به آزمون «کنترل مؤثر» در زمینه خسارت زیست‌محیطی فرامرزی اتخاذ کرده است. (IACtHR, 2017) دادگاه چنین اظهار داشته است:

«در رابطه با خسارات فرامرزی، اگر رابطه علیت بین رویداد رخ داده در سرزمین خود و تأثیر بر حقوق بشر افراد خارج از سرزمین وجود داشته باشد، این افراد تحت صلاحیت قضایی دولت منشأ قرار دارند. صلاحیت قضایی دولت منشأ در مواردی ایجاد می‌شود که دولت منشأ کنترل مؤثری بر فعالیت‌هایی داشته باشد که منجر به خسارت و در نتیجه نقض حقوق بشر شده است». (IACtHR, 2017. 104)

نکته مهم در این یافته دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر این است که دولت می‌تواند در مواردی که کنترل مؤثر بر فعالیت منجر به خسارت داشته باشد، مسئول شناخته شود، نه بر افراد یا سرزمین‌های آسیب‌دیده. این تا حدودی متفاوت از رویه قضایی فعلی دادگاه اروپایی حقوق بشر است. (Feria-Tinta, 2021) با این حال، اینکه آیا دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز رویکرد مشابهی را در چارچوب تغییرات اقلیمی اتخاذ خواهد کرد یا خیر،

1. Inter-American Court of Human Rights

در صورت تصمیم‌گیری در مورد درخواست‌های موجود یا صدور نظر مشورتی در این زمینه مشخص خواهد شد.

چالش دیگر مربوط به صلاحیت قضایی فرامرزی، احتمال ایجاد حوزه مسئولیت بسیار گسترده است. با توجه به اینکه افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای یک دولت می‌تواند بر بسیاری از دولت‌ها تأثیر بگذارد، این امر امکان ارائه درخواست توسط افراد مستقر در هر نقطه از جهان را فراهم می‌کند. (Sandvig et al., 2021) اگرچه این وضعیت می‌تواند به افراد امکان طرح ادعاهای خود در مقابل مراجع مختلف را بدهد، اما می‌تواند تشخیص نهاد صالح برای ارزیابی درخواست را دشوار کند.

۲. تحولات در شورای اروپا

۲-۱. دادگاه اروپایی حقوق بشر

از آنجا که دادگاه اروپایی حقوق بشر متنی بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست دارا نیست، در حال حاضر حقی که مستقیماً با تغییرات اقلیمی مرتبط باشد تحت کنوانسیون تضمین نشده است. از سوی دیگر، گفتن اینکه دادگاه اروپایی حقوق بشر به هیچ وجه نمی‌تواند در مورد پیامدهای منفی احتمالی تغییرات اقلیمی بر حقوق بشر اعمال شود، به دلیل عدم وجود چنین حق صریحی، درست نخواهد بود. همان‌طور که دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده تایر^۱ علیه بریتانیا توضیح داد، کنوانسیون «سندی زنده» است. (Tyrer v. United Kingdom, 1978: 31) طبق این دکترین، کنوانسیون باید «به‌عنوان سندی زنده با توجه به شرایط امروز» و با در نظر گرفتن تحولات و استانداردهای مورد پذیرش مشترک توسط کشورهای عضو شورای اروپا اعمال شود.

اگرچه این رویکرد برای اعمال دادگاه اروپایی حقوق بشر در مبارزه با تغییرات اقلیمی امیدوارکننده است، اما چگونگی روشن کردن استانداردهای مورد پذیرش مشترک توسط کشورهای عضو مشکل مهمی است که باید حل شود. به لطف پیشرفت‌های علمی، تغییرات اقلیمی دیگر یک نگرانی آینده نیست و به خطری تبدیل شده که خطرات احتمالی آن را می‌توان گام به گام پیش‌بینی کرد. کشورهای عضو شورای اروپا به‌طور کلی نسبت به تهدیدات ناشی از تغییرات اقلیمی حساس‌تر به نظر می‌رسند. با این حال، حتی در چارچوب

1. Tyrer

حقوق بشر، مهم است که تعهدات ایجاد شده با احترام به تفکیک قوا، سازگار با اصل تابعیت و دور از فعالیت قضایی باشد. (عرب اسدی، ۱۳۹۹: ۹۸۹)

انتظار می‌رود دادگاه اروپایی حقوق بشر در انجام این کار از سایر معاهدات بین‌المللی استفاده کند. دادگاه اروپایی حقوق بشر با رویه قضایی تثبیت شده خود اعلام کرده است که کنوانسیون به دلیل ماهیت معاهده بین‌المللی خود، مطابق با هنجارها و اصول مربوطه حقوق بین‌الملل عمومی اعمال خواهد شد. (Cyprus 2014: 23) در این راستا، احتمال دارد که مفاد سایر اسناد بین‌المللی مربوط به موضوع مانند کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم^۱، توافقنامه پاریس و کنوانسیون آرهوس^۲ تا حدی که قابل اعمال در مورد خاص باشند، مورد توجه قرار گیرند. درواقع، در مقدمه توافقنامه پاریس صراحتاً ذکر شده است که با اشاره به اینکه تغییرات اقلیمی نگرانی مشترک بشریت است، دولت‌ها باید در اقدام در این چارچوب به حقوق بشر احترام بگذارند، آن‌ها را ترویج کنند و در نظر بگیرند. همچنین مشاهده می‌شود که قضات می‌توانند حتی از طریق اسناد بین‌المللی غیر الزام‌آور نیز استنباط کنند که عزم برای اتخاذ سیاست‌هایی برای تأمین حفاظت از یک حق وجود دارد. در این زمینه، به‌عنوان مثال، در پرونده هاتون^۳ علیه بریتانیا، اگرچه ادعای خواهان مبنی بر اینکه پروازهای شبانه نقض حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی او تحت ماده ۸ کنوانسیون را تشکیل می‌دهد توسط دادگاه پذیرفته نشد، اما قضات^۴ در نظر مخالف مشترک خود استدلال کردند که با در نظر گرفتن اعلامیه محیط زیست انسانی سازمان ملل متحد ۱۹۷۲ و منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، باید رویکرد جامع‌تری اتخاذ شود. (Hatton and Others v. The United Kingdom, 2003, 1)

اگرچه دادگاه اروپایی حقوق بشر هنوز حکمی در مورد تغییرات اقلیمی صادر نکرده است، اما رویه قضایی در مورد ارتباط بین محیط زیست و حقوق تحت پوشش کنوانسیون را ایجاد کرده است. در حقیقت، عدم وجود صریح حق برخورداری از محیط زیست سالم در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مانع از آن نشده است که این دادگاه نقض کنوانسیون را در زمینه محیط زیست تشخیص دهد. به‌عنوان مثال، دادگاه اروپایی حقوق بشر نقض ماده ۲

1. UNFCCC

۲. کنوانسیون دسترسی آزاد به اطلاعات زیست محیطی

3. Hatton

4. Jean-Paul Costa, Georg Ress, Riza Türmen, Bostjan Zupancic, Elisabeth Steiner

کنوانسیون را در مواردی که فعالیت‌های صنعتی خطرناک وجود داشته، تشخیص داده است. (Öneryildiz, 2004, 94) به‌طور مشابه، در رابطه با ماده ۸، در مواردی که خانه شاکی در نزدیکی تأسیسات شیمیایی یا تصفیه فاضلاب قرار داشته، این تأسیسات اثرات منفی بر سلامت شاکی داشته و شاکی تحت تأثیر آلودگی صنعتی قرار گرفته، نقض ماده ۸ تشخیص داده شده است. (Cordella and Others, 2019, 157)

نکته قابل توجه در رویه قضایی دیوان در مورد نگرانی‌های زیست محیطی این است که دیوان تشخیص داده است دولت‌ها تعهدات مثبتی برای تضمین حقوق محافظت شده توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر دارند. این امر از نظر تغییرات اقلیمی بسیار مهم است، زیرا دعاوی حقوقی تمایل دارند ادعا کنند که یک دولت در اتخاذ اقدامات لازم برای مبارزه با تغییرات اقلیمی ناموفق بوده است. با این حال، رویه قضایی دادگاه همچنین تأکید می‌کند که دولت در اتخاذ اقدامات لازم برای رسیدگی به مسائل زیست محیطی از اختیار گسترده‌ای برخوردار است، زیرا «پیچیدگی مسائل مربوط به حفاظت از محیط زیست نقش دیوان را اساساً ثانویه می‌کند». در این چارچوب، رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد اساسی‌ترین حقوقی که ممکن است توسط تغییرات اقلیمی تهدید شوند، به ترتیب حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی تحت ماده ۸ و حق حیات مندرج در ماده ۲ بررسی می‌شود. پس از آن، آخرین درخواست‌های مربوط به تغییرات اقلیمی که به دادگاه اروپایی حقوق بشر ارائه شده است، ارزیابی و در پرتو رویه قضایی موجود تفسیر خواهد شد. (خدیوی سهرابی، اشرافی، عبدالحی، ۱۳۹۹: ۳۸۹)

۲-۲. رابطه بین تغییرات اقلیمی و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، برای اثبات وجود نقض تحت ماده ۸، لازم است که «اثرات منفی آلودگی محیط زیست به یک سطح حداقل خاص» برسد. در این ارزیابی، ذکر شده است که باید عواملی مانند شدت، مدت، و اثرات روانی و فیزیکی رویداد ادعا شده به‌عنوان نقض در نظر گرفته شود، در حالی که نتایج اجتناب‌ناپذیر زندگی در شهرهای مدرن امروزی در این زمینه قابل قبول نیست. (Fadeyeva, 2005. 69)

دادگاه اروپایی حقوق بشر در بررسی درخواست‌هایی که براساس ماده ۸ مطرح شده‌اند، صرفاً به بررسی مداخلات انجام‌شده توسط مقامات دولتی اکتفا نکرده است؛ بلکه

اغلب با توجه به اینکه دولت‌ها باید اقدامات معقول برای حفاظت از حقوق افراد انجام دهند، موضوع را در چارچوب تعهدات مثبت نیز ارزیابی کرده است. از نظر تعهدات مثبت در این زمینه، پیش‌بینی شده است که دولت باید قبل از تصمیم‌گیری در مورد مسائل پیچیده مربوط به سیاست‌های زیست محیطی و اقتصادی، تحقیقات و مطالعات مناسبی را انجام دهد که امکان پیش‌بینی و ارزیابی خطرات احتمالی را فراهم کند و تعادل منصفانه‌ای بین حقوق متعارض برقرار کند (رمضانی قوام‌آبادی، میریان، ۱۴۰۲: ۱۵۹) همچنین، با توجه به تشخیص دادگاه اروپایی حقوق بشر مبنی بر اینکه چگونگی تنظیم بهترین استفاده از انرژی هسته‌ای توسط یک دولت «یک تصمیم سیاسی است که باید در فرآیند دموکراتیک خود دولت عضو اتخاذ شود»، (Athanassoglou and Others, 2000, 60) می‌توان گفت که تعیین تعهدات مشخص برای اقدامات لازم دولت‌ها در چارچوب تغییرات اقلیمی توسط یک دادگاه بین‌المللی دشوار است. زیرا در چنین شرایطی، احتمال دارد که دولت‌های مستقل این را به‌عنوان نوعی اداره امور عمومی از طریق قوه قضائیه یا ایجاد نظارت بر مناسب بودن تصمیمات تلقی کنند.

هیئت بین دولتی تغییرات اقلیمی^۱ هشدار داده است که ادامه انتشار گازهای گلخانه‌ای گرمایش جهانی را بیشتر افزایش خواهد داد و منجر به اثرات شدید، گسترده و غیرقابل بازگشت خواهد شد. (IPCC, 2021, 21) انتظار می‌رود که این نوع پذیرش‌های عینی مبتنی بر داده‌های علمی، تا حدی مبنایی برای استنتاج‌های دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد نقض یک حق باشد. با این حال، در رویه قضایی آن دادگاه، اگرچه استناد به ماده ۸ در مسائل مربوط به محیط زیست رایج است، تأکید شده است که هر نوع مشکل زیست‌محیطی به تنهایی منجر به نقض این ماده نمی‌شود و از آنجا که حق تضمین شده در این ماده حفاظت از طبیعت نیست، تنها در صورتی می‌توان از نقض صحبت کرد که خانه، خانواده یا زندگی خصوصی شاکی مستقیماً تحت تأثیر قرار گرفته باشد. (Fadeyeva, 2005: 68) بنابراین، می‌توان پیش‌بینی کرد که ارزیابی‌های دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد اینکه آیا داده‌های مشخص مربوط به خطرات آینده به «سطح حداقل» می‌رسند یا خیر، تا حد زیادی در تصمیمات مربوط به وجود نقض تعیین‌کننده خواهد بود.

1. IPCC

۲-۳. رابطه بین تغییرات اقلیمی و ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

دادگاه اروپایی حقوق بشر هنگام بررسی خطرات ناشی از محیط زیست، در صورت وجود تهدیدی برای حق حیات، می‌تواند علاوه بر ماده ۸، در چارچوب ماده ۲ نیز بررسی انجام دهد. با توجه به اینکه حق حیات «از نظر سلسله‌مراتبی برتر از سایر حقوق» تلقی می‌شود (Streletz, Kessler and Krenz, 2001: 94) می‌توان گفت که «وظیفه حفاظت از زندگی از طریق اتخاذ اقدامات معقول» توسط دولت یکی از مهم‌ترین دستاوردهای کنوانسیون است. تعهدات مثبت در چارچوب ماده ۲ و ماده ۸ تا حد زیادی همپوشانی دارند. در رویکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر در تصمیمات مربوط به تعهدات اتخاذ اقدامات پیشگیرانه برای حفاظت از حق حیات، که در دکتترین به‌عنوان «آزمون عثمان» شناخته می‌شود، ابتدا معیارهای «زندگی یک فرد به دلیل اقدامات غیرقانونی فرد دیگر در معرض خطر است» و «این تعهد نباید بار غیرممکنی بر مقامات تحمیل کند» در نظر گرفته شده است، (Osman, 1998: 115-117) که برای اولین بار با تصمیم اونر ییلدیز^۱ علیه ترکیه ارتباط بین آسیب زیست‌محیطی و حق حیات را برقرار کرد. (Öneryıldız, 2004: 94) دادگاه اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی بعدی خود نشان داد که تعهدات مثبت مشابه می‌تواند در موارد مربوط به بلایای طبیعی نیز مطرح شود. (Kolyadenko and others, 2012: 157-161) در این راستا، به‌عنوان مثال، انتظار می‌رود که موج‌های گرمایی شدید که به ویژه در نتیجه تغییرات اقلیمی در جنوب اروپا پیش‌بینی می‌شود، مبنایی برای ادعاهای مشابه باشد. (Pedersen, 2020) با این حال، از آنجا که احتمال بیشتری وجود دارد که اولین اثرات تغییرات اقلیمی نتایج زیست‌محیطی به جای تأثیر بر حق حیات ایجاد کند، پیش‌بینی می‌شود که تصمیم‌گیری در مورد نقض تحت ماده ۲ تا حد زیادی با ارزیابی‌های انجام شده در چارچوب ماده ۸ مرتبط باشد.

۲-۴. نمونه های اخیر از طرح دعاوی تغییرات اقلیمی براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

یکی از جدیدترین درخواست‌های ارائه‌شده به دادگاه اروپایی حقوق بشر، درخواست «Verein Klima Seniorinnen Schweiz» علیه سوئیس است. این درخواست توسط

1. Öneryıldız

انجمنی که برای مبارزه با گرمایش جهانی در سوئیس تأسیس شده و میانگین سنی اعضای آن ۷۳ سال است، ارائه شده است. درخواست کنندگان ادعا کرده‌اند که به دلیل افزایش دما، وضعیت سلامتی آن‌ها بدتر شده و به سطحی رسیده که شرایط زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آن‌ها همچنین ادعا کرده‌اند که دولت اقدامات کافی برای دستیابی به هدف توافقنامه پاریس مبنی بر نگه داشتن افزایش میانگین دمای جهانی زیر ۲ درجه نسبت به دوران پیش از صنعتی شدن، که در آن توافقنامه متعهد شده، انجام نداده است. (Objet de l'affaire et questions - Verein Klima seniorinnen Schweiz et autres contre la Suisse, 2021)

دیوان عالی سوئیس حکم داد که وضعیت به سطحی نرسیده است که منجر به نقض حقوق تضمین شده شاکیان تحت مواد ۲ و ۸ شود. همچنین اعلام کرد که شاکیان نتوانسته‌اند چنین نقض احتمالی را برای در نظر گرفته شدن به عنوان «قربانیان بالقوه» اثبات کنند. در نهایت، دیوان عالی سوئیس بیان کرد که نه قوانین ملی و نه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اقدام عمومی^۱ را برای حفاظت از حقوق و آزادی‌ها از طریق دعاوی مطرح شده با هدف منافع عمومی پیش‌بینی نکرده‌اند. بنابراین اظهار داشت که شاکیان باید به جای دادگاه، از طریق نهادهای سیاسی مربوطه به دنبال راه حل برای شکایات خود باشند پس از ارجاع موضوع به دادگاه اروپایی حقوق بشر توسط شاکیان، این دادگاه در ۱۷ مارس ۲۰۲۱ سوئیس را از درخواست مطلع کرد و سؤالاتی را در مورد تعهدات مثبت مربوط به مواد ۲ و ۸ و همچنین ماده ۶ که حق دادرسی عادلانه را تضمین می‌کند و ماده ۱۳ در مورد حق دادخواهی مؤثر مطرح کرد. (ECHR, 2021, p. 2)

مثال دیگر، درخواست دوآرت آگوستینهو^۲ و دیگران علیه پرتغال و ۳۲ کشور دیگر است که توسط ۶ شاکی پرتغالی بین ۷ تا ۲۱ سال که در خانواده‌های کم‌درآمد زندگی می‌کنند، مستقیماً به دادگاه اروپایی حقوق بشر ارائه شده است. استدلال آن‌ها این بود که انتظار اتمام مراحل قضایی در برابر مقامات ذی‌صلاح هر کشور عضو، باری نامتناسب خواهد بود. این درخواست بر اساس ادعای نقض حقوق تضمین شده در مواد ۲ و ۸ و همچنین ممنوعیت تبعیض مندرج در ماده ۱۴ توسط کشورهای مذکور به دلیل عدم انجام تعهدات توافق شده در توافقنامه پاریس است. (Objet de l'affaire, 2020) در این

1. actio popularis

2. Duarte Agostinho

درخواست، ارتباط بین تغییرات اقلیمی و عدم انجام تعهدات مثبت توسط کشورهای عضو برقرار شده است. به طور خاص، به آتش سوزی های جنگلی که از سال ۲۰۱۷ در پرتغال شدت گرفته، اشاره شده و ادعا شده که این آتش سوزی ها تأثیرات منفی بر سلامت شاکیان داشته است. علاوه بر این، دو تن از شاکیان ادعا کرده اند که به دلیل نزدیکی خانه هایشان به دریا در لیسبون، در معرض خطرات ناشی از شرایط آب و هوایی شدید قرار دارند. شاکیان همچنین استدلال می کنند که به دلیل اینکه تأثیرات اساسی منفی تغییرات اقلیمی در آینده مشاهده خواهد شد، کشورها با عدم انجام مناسب تعهدات مثبت خود، ممنوعیت تبعیض را نیز در رابطه با نسل های جوان که تأثیرات شدیدتری را تجربه خواهند کرد، نقض کرده اند. شاکیان این ادعاهای خود را با کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد که در آن منافع کودک اصل اساسی در تمام فعالیت های مربوط به کودکان است، تقویت می کنند. (UN Commission on Human Rights, 1990) این درخواست همچنین از این جهت حائز اهمیت است که انتظارات مشخصی مانند کاهش انتشار گازهای گلخانه ای در مناطق خود و ممنوعیت صادرات سوخت های فسیلی توسط کشورهای امضاکننده را مطرح می کند. (Objet de l'affaire, 2020)

هر دو درخواست می توانند به عنوان فرصت های مهمی برای اعمال اصول رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه تغییرات اقلیمی در نظر گرفته شوند. البته باید گفت که این پرونده ها با آزمون قابل توجهی از نظر قابلیت پذیرش روبه رو هستند. زیرا طبق ماده ۳۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تنها افرادی که یکی از حقوق تضمین شده در کنوانسیون نقض شده باشد می توانند به دادگاه مراجعه کنند و برای پذیرش قربانی بودن، مدارک منطقی و قانع کننده ای که ارتباط مستقیم با آسیب را نشان دهد لازم است. در مورد درخواست دوم، احتمال ارزیابی عدم تکمیل مراحل قانونی داخلی نیز وجود دارد. با این حال، می توان گفت که این درخواست ها نزدیک ترین تلاش ها برای پاسخگویی به سؤالات موجود هستند، مگر اینکه دادگاه عالی یک کشور که پروتکل شماره ۱۶ را پذیرفته است، از دادگاه اروپایی حقوق بشر درخواست نظر مشورتی در این زمینه کند. (امیری، نساری، دریادل، ۱۴۰۳: ۵۱)

پرونده بنیاد اورگندا^۱ در این نقطه، اگرچه تصمیم دادگاه اروپایی حقوق بشر نیست، اما باید به پرونده ای که توسط این بنیاد به دادگاه عالی هلند ارائه شده و شاید مهم ترین پرونده

1. Urgenda

قضایی در مورد پیامدهای منفی تغییرات اقلیمی برای حقوق بشر در سال‌های اخیر باشد، اشاره کرد. در دعوی مطرح شده در سال ۲۰۱۳، ادعا شد که عدم پایبندی دولت هلند به استانداردهای توصیه شده در مورد انتشار دی‌اکسید کربن، حقوق بشر شهروندان هلندی را نقض می‌کند. دادگاه با اشاره به اینکه دولت از برآورده کردن سهم عادلانه خود در اهداف بین‌المللی پیش‌بینی شده برای مبارزه با بحران اقلیمی دور است، حکم داد که انتشار گازهای گلخانه‌ای باید تا سال ۲۰۲۰ به ۲۵٪ زیر سطح سال ۱۹۹۰ کاهش یابد. دادگاه عالی هلند با در نظر گرفتن شباهت منافع افراد ذی‌نفع، تعهدات مثبت ناشی از مواد ۲ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نیز مدنظر قرار داد و بدین ترتیب نمونه مهمی از چگونگی اعمال خطر واقعی و نزدیک ناشی از تغییرات اقلیمی در چارچوب مفاد کنوانسیون ارائه کرد. (Supreme Court of the Netherlands, 2019)

۲-۵. مجمع پارلمانی شورای اروپا

همان‌طور که اشاره شد، یکی از مهم‌ترین موانع در مقابل بررسی اجرای حقوق بشر مرتبط با تغییرات اقلیمی در شورای اروپا، عدم ارائه تضمین صریح در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد حقوق زیست‌محیطی، به ویژه حق زندگی در محیط زیست سالم است. مجمع پارلمانی شورای اروپا^۱ که متشکل از ۳۲۴ نماینده پارلمان‌های ملی ۴۷ کشور عضو شورای اروپا است، نقش فعالی در پر کردن خلأهای موجود در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رابطه با تغییرات اقلیمی ایفا می‌کند. مجمع پارلمانی شورای اروپا چندین قطعنامه تصویب کرده است که اصلاح کنوانسیون یا تصویب یک پروتکل اضافی برای به رسمیت شناختن حق زندگی در محیط زیست سالم تحت کنوانسیون را توصیه می‌کند. (Recommendation 1613, 2003; Recommendation 1885, 2009) اخیراً، مجمع پارلمانی شورای اروپا قطعنامه شماره ۲۳۹۶ با عنوان «شناسایی حق زندگی در محیط زیست سالم: نیاز به اقدام تقویت‌شده توسط شورای اروپا» را در سپتامبر ۲۰۲۱ تصویب کرد.

قطعنامه ۲۳۹۶ استدلال می‌کند که عدم وجود مقررات صریح در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد حق زندگی در محیط زیست سالم، به این معنی است که دادگاه اروپایی حقوق بشر نمی‌تواند به طور جامع به ابعاد حقوق بشری بحران‌های زیست‌محیطی فعلی و

1. PACE

آینده ناشی از تغییرات اقلیمی پردازد بنابراین، توصیه شده است که حق زندگی در محیط زیست سالم با یک پروتکل الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «به صراحت به رسمیت شناخته شود». مجمع پارلمانی شورای اروپا بیان کرده است که «حق زندگی در محیط زیست سالم» در قوانین اساسی نیمی از کشورهای جهان، از جمله ۳۲ کشور عضو شورای اروپا، به رسمیت شناخته شده است. (Resolution 2396, 2021) این مجمع توصیه‌های مشابهی را در مورد تصویب یک پروتکل الحاقی که حق زندگی در محیط زیست سالم را به رسمیت می‌شناسد، در قالب قطعنامه ۱۶۱۴ (۲۰۰۳) و قطعنامه ۱۸۸۵ (۲۰۰۹) نیز ارائه کرده است. (Recommendation 1613, 2003; Recommendation 1885, 2009) با این حال، کمیته وزیران در نظر خود، این توصیه‌ها را با این استدلال که «سیستم کنوانسیون در حال حاضر از طریق حقوق شناخته شده تحت کنوانسیون و تفسیرهای در حال تکامل آن‌ها در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر، به‌طور غیرمستقیم به حفاظت از محیط زیست کمک می‌کند» رد کرده و بیان داشته که نیاز کافی برای تصویب پروتکل الحاقی وجود ندارد. (Reply from the Committee of Ministers, 2004, 4)

علاوه بر ترویج به رسمیت شناختن صریح حق زندگی در محیط زیست سالم در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجمع پارلمانی شورای اروپا همچنین افزایش مسائل حقوق بشری مرتبط با تغییرات اقلیمی و مهاجرت را به رسمیت شناخته است. در قطعنامه ۲۳۰۷ مصوب ۳ اکتبر ۲۰۱۹، مجمع بیان کرد که تغییرات اقلیمی منجر به «مهاجرت اقلیمی» خواهد شد، زیرا زیستگاه‌ها به دلیل تغییرات اقلیمی غیرقابل سکونت می‌شوند. مجمع پذیرفت که کشورهای صنعتی شورای اروپا «مسئولیت ویژه‌ای در قبال کشورهای متأثر از تغییرات اقلیمی انسان‌ساز، به ویژه کشورهای نیمکره جنوبی دارند و بنابراین باید حق پناهندگی مناسبی را برای مهاجران اقلیمی فراهم کنند» (Resolution 2307, 2019, 5.4)

۲-۶. کمیته وزیران شورای اروپا

اگرچه کمیته وزیران شورای اروپا «کمیته وزیران» بر این باور است که تصویب یک پروتکل الحاقی که حق زندگی در محیط زیست سالم را به رسمیت می‌شناسد ضروری نیست، اما اقداماتی برای افزایش نقش شورای اروپا در پرداختن به تأثیرات تغییرات اقلیمی بر حقوق بشر انجام می‌دهد. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۲۰، ریاست گرجستان کمیته یک کنفرانس عالی‌رتبه حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر را برای بحث و

بررسی رابطه بین حقوق بشر و بحران‌های زیست‌محیطی و توسعه ایده‌ها برای سیاست‌های ملی برگزار کرد. (Final Declaration by the Georgian Presidency, 2020) علاوه بر این، در سال ۲۰۲۰، ریاست‌های گرجستان و یونان کمیته وزیران «بیانیه مشترک درباره حقوق بشر و محیط زیست» را که تهدیدات حقوق بشری ناشی از تغییرات اقلیمی را بیان می‌کند، تصویب کردند و تصمیم گرفتند «پتانسیل متون شورای اروپا در این زمینه را بیشتر ارزیابی کنند و به‌عنوان اولین قدم، از کمیته راهبری حقوق بشر بخواهند پیش‌نویس یک سند غیرالزام‌آور را برای تصویب توسط کمیته وزیران تهیه کند». (Joint Declaration on Human Rights and the Environment, 2020)

۳. تحولات در سازمان ملل متحد

در بررسی موضوع از منظر فرآیندهای سازمان ملل متحد، بی‌شک باید با کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم یا کنوانسیون چارچوب تغییر اقلیم در سازمان ملل آغاز کرد. پیش‌نویس اولیه کنوانسیون در اجلاس جهانی ریو در سال ۱۹۹۲ ارائه شد و در سال ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا گردید. تاکنون ۱۹۴ کشور به این کنوانسیون پیوسته‌اند. (UNFCCC, 2023) این کنوانسیون به‌عنوان یک راهنمای کلی برای روش‌های پیشگیری یا به حداقل رساندن پیامدهای منفی تغییرات اقلیمی، اصول کلی را تعیین کرده و زیرساخت لازم برای مکانیسم‌های قانونی بعدی را فراهم کرده است (Rajamani and Werksman, 2021, 498) از این طریق، توافقنامه پاریس که در درخواست‌های دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز به آن استناد می‌شود، به‌عنوان ابزاری مهم در مبارزه با تغییرات اقلیمی به جامعه بین‌المللی معرفی شده است. توافقنامه پاریس اگرچه مستقیماً یک متن بین‌المللی مبتنی بر حقوق بشر نیست، اما به دلیل گنجاندن مقرراتی برای کاهش گرم شدن کره زمین ناشی از فعالیت‌های انسانی از طریق کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و همچنین سازگاری با تغییرات اقلیمی، ابزار حقوقی بین‌المللی مهمی است که می‌تواند از طریق پیشگیری از نقض‌های احتمالی در این زمینه، به حفاظت از حقوق بشر در سطح جهانی کمک کند. البته این تنها متون مورد توجه در ایجاد ارتباط بین مبارزه با تغییرات اقلیمی و حقوق بشر در سازمان ملل نیستند. پذیرش اینکه دولت‌ها در قلمرو حاکمیت خود وظیفه بهبود حقوق و رفاه افراد را دارند، در میثاق‌های دوقلو شناخته شده به‌عنوان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز انعکاس یافته است. (Mayer, 2016, p. 171)

یکی از آخرین ابتکارات مشاهده شده در سازمان ملل، طرحی است که توسط ایرلند و نیجر به شورای امنیت سازمان ملل ارائه شد و پیشنهاد استفاده از شورای امنیت سازمان ملل در مبارزه با خطرات امنیتی مرتبط با تغییرات اقلیمی را مطرح کرد. این طرح علی‌رغم ۱۲ رأی مثبت اعضای شورای امنیت سازمان ملل، با یک رأی ممتنع و دو رأی منفی، از جمله وتوی روسیه به عنوان عضو دائم، رد شد. (United Nations, 2021) هند که مخالف این طرح بود، به طور خلاصه استدلال کرد که رویکرد مرتبط کردن تغییرات اقلیمی با امنیت اشتباه است و باید به کار در چارچوب کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم ادامه داد؛ در حالی که نماینده روسیه اظهار داشت که جامعه بین‌المللی در حال حاضر رویکردهای متفاوتی را برای حل این مسئله اتخاذ کرده است. (United Nations, 2021)

نمایندگان ایرلند و نیجر که طرح را ارائه کردند، رد فرصت استفاده از اختیارات شورای امنیت سازمان ملل در مبارزه با تغییرات اقلیمی را مورد انتقاد قرار دادند و یادآور شدند که تصمیم مشابهی در چارچوب کووید ۱۹ اتخاذ شده بود. (United Nations, 2021) با این حال، با توجه به اینکه این طرح حمایت ۱۱۳ کشور عضو سازمان ملل را به دست آورد، می‌توان گفت که احتمالاً در آینده نیز با ابتکارات مشابهی روبه‌رو خواهیم شد.

تمام این‌ها نمونه‌های مهمی هستند که نشان می‌دهند پیامدهای منفی احتمالی تغییرات اقلیمی بر حقوق بشر در سازمان ملل نیز انعکاس یافته است. اگرچه هنوز تصمیم الزام‌آوری توسط شورای امنیت سازمان ملل اتخاذ نشده است، اما تلاش‌های جهانی برای راه‌حل می‌تواند از طریق قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل برای حفاظت از بشریت در برابر تغییرات اقلیمی تشویق شود (UN General Assembly, 2014; UN General Assembly, 2013)

همچنین، پروژه‌هایی مانند ابتکار دیوار بزرگ سبز تحت کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی سازمان ملل متحد می‌تواند با کاهش اثرات منفی تغییرات اقلیمی در حوزه‌های مختلف یا ایجاد سازگاری، به حفاظت از حقوق بشر در این زمینه کمک کند. (United Nations Convention to Combat Desertification, 2022)

با این حال، در راستای هدف این مطالعه، در اینجا آخرین پیشرفت‌های ارگان‌های سازمان ملل در ایجاد ارتباط بین حقوق محافظت شده تحت اسناد حقوق بشری سازمان ملل و تغییرات اقلیمی بررسی خواهد شد و در این چارچوب، نهادهای نظارتی معاهدات سازمان ملل و شورای حقوق بشر مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۳. کمیته حقوق بشر سازمان ملل

کمیته حقوق بشر، نهاد معاهده‌ای مسئول نظارت بر انطباق با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در سال ۲۰۱۹ تفسیر عمومی شماره ۳۶ را در مورد حق حیات منتشر کرد. در این تفسیر عمومی، کمیته حقوق بشر به صراحت پذیرفت که «تخریب محیط زیست، تغییرات اقلیمی و توسعه ناپایدار از فوری‌ترین و جدی‌ترین تهدیدها برای حق حیات نسل‌های فعلی و آینده هستند». بر این اساس، تعهدات مثبت دولت‌ها برای اتخاذ اقدامات مربوط به حفاظت از زندگی تحت ماده ۶ میثاق، شامل برداشتن گام‌های لازم برای «توسعه و اجرای استانداردهای اساسی زیست‌محیطی» نیز می‌شود. (UN Human Rights Committee, 2019)

همچنین در سال ۲۰۱۹، کمیته حقوق بشر برای اولین بار در مشاهدات نهایی خود در مورد گزارش اولیه کیپ ورد به مفهوم «تغییرات اقلیمی» اشاره کرد. (UN HRC, 2019, 17-18) در این گزارش، با اشاره به اینکه کیپ ورد یک کشور جزیره‌ای است که «به ویژه در برابر تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر» است، (UN HRC, 2019, 17) توصیه‌هایی مطابق با تفسیر عمومی شماره ۳۶ برای افزایش تلاش‌های دولت‌ها در پرداختن به اثرات منفی تغییرات اقلیمی ارائه شد. (UN HRC, 2019, 18) در تصمیم اخیرتر، کمیته حقوق بشر تشخیص داد که عدم اتخاذ اقدامات کافی توسط استرالیا برای مقابله با اثرات منفی تغییرات اقلیمی منجر به نقض حق حریم خصوصی مندرج در ماده ۱۷ و تعهد به حفاظت از اقلیت‌ها در ماده ۲۷ میثاق برای ساکنان جزایر تنگه تورس شده است. (UN Human Rights Committee, 2022, 8.12-13)

کمیته حقوق بشر همچنین وظیفه پرداختن به مسائل مهاجرت اقلیمی و مهاجران اقلیمی را بر عهده گرفته است. در پرونده تیتوتا^۱ علیه نیوزیلند، کمیته برای اولین بار پذیرفت که بازگرداندن اجباری افراد به مکانی که زندگی‌شان به دلیل اثرات منفی تغییرات اقلیمی در معرض خطر خواهد بود، می‌تواند نقض حق حیات طبق ماده ۶ میثاق باشد. (Teitiota v. New Zealand, 2020) اگرچه شاکی که شهروند جمهوری کیریباتی^۲ بود در این درخواست موفق نشد زیرا وضعیت در کیریباتی آستانه بالای تعیین شده توسط کمیته برای نقض ماده ۶ میثاق را نقض نکرده بود، این تصمیم نمونه دیگری از پیشرفت دیدگاه‌های کمیته در مورد رابطه بین تغییرات اقلیمی و حقوق محافظت شده تحت میثاق است.

1. Teitiota

2. Kiribati

۲-۳. کمیته رفع تبعیض علیه زنان

دومین نهاد معاهده‌ای که به اثرات تغییرات اقلیمی می‌پردازد، کمیته رفع تبعیض علیه زنان است که مسئول نظارت بر انطباق با کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان است. در «توصیه عمومی شماره ۳۷ در مورد ابعاد جنسیتی کاهش خطر بلایا در زمینه تغییرات اقلیمی» که اخیراً منتشر شده، کمیته رفع تبعیض علیه زنان استدلال کرده که تغییرات اقلیمی برای زنان نسبت به مردان خطرات و مسئولیت‌های بیشتری به همراه دارد (CEDAW Committee, 2018, 2) و به کشورهای عضو توصیه کرده اقدامات مختلفی را برای انجام تعهدات مثبت خود تحت کمیته به منظور کاهش اثرات منفی تغییرات اقلیمی بر زنان اتخاذ کنند. (CEDAW Committee, 2018, 31, 36, 38, 40, 42, 46, 51, 54, 57, 60, 64, 68, 72, 78 and 81)

۳-۳. کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد

با توجه به انتظار تشدید اثرات تغییرات اقلیمی در آینده، آشکار است که خطرات این حوزه تهدیدی جدی‌تر برای حقوق بشر نسل‌های آینده ایجاد می‌کند. در این چارچوب، لازم است به رویکرد کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد نیز اشاره شود. کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد در ۱۱ اکتبر ۲۰۲۱، تصمیم خود را درباره شکایات ۱۶ کودک علیه پنج کشور (آرژانتین، برزیل، فرانسه، آلمان و ترکیه) تحت پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درباره روش ارتباطات منتشر کرد. (Nolan, 2021) تصمیم کمیته از این جهت حائز اهمیت است که برای اولین بار یک نهاد بین‌المللی حقوق بشری اعلام کرد که یک کشور عضو کنوانسیون حقوق کودک می‌تواند هم در داخل و هم در خارج از کشور خود مسئول اثرات منفی انتشار کربن بر حقوق کودکان شناخته شود. اگرچه کمیته در نهایت این شکایت را به دلیل عدم استفاده از راه‌های حقوقی داخلی قابل پذیرش ندانست، اما در تصمیم خود اعلام کرد: «کشورهای منتشرکننده، مسئول اثرات منفی انتشارات ناشی از کشور خود بر حقوق کودکان هستند، حتی اگر کودکان مربوطه در خارج از کشور ساکن باشند. ماهیت جمعی علل تغییرات اقلیمی، مسئولیت یک کشور را از بین نمی‌برد». (Nolan, 2021) تصمیم کمیته می‌تواند گامی مثبت تلقی شود، زیرا علاوه بر مسئول دانستن کشورها به دلیل عدم رسیدگی به اثرات منفی انتشار کربن، اصل اعمال فراسرزمینی این تعهدات را نیز پذیرفته است.

۴-۳. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

در بررسی تحولات مربوط به تأثیر تغییرات اقلیمی بر حقوق بشر در سیستم سازمان ملل، نهاد دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، بی‌شک شورای حقوق بشر سازمان ملل است. شورای حقوق بشر سازمان ملل در ۸ اکتبر ۲۰۲۱ با قطعنامه شماره ۱۳/۴۸، برخورداری از محیط زیست پاک، سالم و پایدار را به‌عنوان یک حق بشری جهانی به رسمیت شناخت. در همان تاریخ، شورای حقوق بشر قطعنامه شماره ۱۴/۴۸ را نیز تصویب کرد که مقام گزارشگر ویژه حمایت و ارتقاء حقوق بشر در زمینه تغییرات اقلیمی را ایجاد می‌کند. (Savaresi, 2021)

کمیته از کشورهای عضو سازمان ملل خواسته است تا در حفاظت از حق محیط زیست پاک، سالم و پایدار همکاری کنند. اگرچه قطعنامه ۱۳/۴۸ الزام‌آور نیست، اما از این جهت که حاوی تعهدات سیاسی قوی برای حمایت از تلاش‌های هماهنگ‌تر در مواجهه با بحران‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی است، اهمیت زیادی دارد. (Savaresi, 2021) تصویب این قطعنامه به‌عنوان گامی مهم در جهت افزایش تلاش‌ها برای شناسایی قانونی و الزام‌آور حق زندگی در محیط زیست سالم، چه از طریق قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل و چه در سطح منطقه‌ای مانند شورای اروپا، تلقی می‌شود.

این قطعنامه می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای وادار کردن دولت‌ها و شرکت‌ها به اتخاذ اقدامات لازم و کافی در مبارزه با مشکلات تهدیدکننده محیط زیست، به ویژه تغییرات اقلیمی، مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا، گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط زیست سازمان ملل نیز می‌تواند با ارزیابی اقدامات انجام‌شده در چارچوب کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با پیامدهای تغییرات اقلیمی و شناسایی بهترین شیوه‌ها، بر فرآیندهای سیاست‌گذاری در مورد چگونگی مبارزه با اثرات منفی تغییرات اقلیمی بر حقوق بشر تأثیر بگذارد. علاوه بر این، حتی در کشورهایی که قانون صراحتاً حق زندگی در محیط زیست سالم را به رسمیت نمی‌شناسد، روند افزایشی در تعداد دادخواست‌های مربوط به تغییرات اقلیمی در سطح ملی وجود دارد. شاکیان در دادگاه‌های محلی این کشورها معمولاً برای پشتیبانی از استدلال‌های خود به ابزارهای حقوقی بین‌المللی غیرالزام‌آور استناد می‌کنند. بنابراین، قطعنامه ۱۳/۴۸ احتمالاً به شاکیان در چنین پرونده‌هایی کمک خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی رویه‌های حقوقی و نهادهای بین‌المللی مؤید آن است که در جهان کنونی، بحران اقلیمی دیگر نه تنها یک تهدید صرفاً زیست‌محیطی، بلکه چالشی میان‌رشته‌ای با ابعاد حقوقی عمیق، به‌ویژه در حوزه حقوق بشر است. در واقع، تحول در هندسه خطرات اقلیمی، موجب بازتعریف کلاسیک برخی مفاهیم بنیادین در حقوق بشر شده است؛ مفاهیمی چون حق حیات، حق بر زندگی با کرامت، حق بر سلامت، و حتی اصل برابری و عدم تبعیض، امروز مستقیماً در معرض تهدیداتی قرار گرفته‌اند که خاستگاه آن‌ها زیست‌محیطی ولی پیامدهای آن کاملاً انسانی، ساختاری و بین‌نسلی است.

مطابق رویه‌های نوظهور در نهادهایی مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، و کمیته حقوق کودک، شاهد شکل‌گیری روندی هستیم که در آن، اصول سنتی حاکم بر صلاحیت قضایی، رابطه علیت، و مفهوم «قربانی بودن» در دعاوی حقوق بشری، با بازخوانی‌های نوین و با لحاظ مقتضیات بحران اقلیمی، در حال تحول‌اند. برای مثال، شیف‌ت از «کنترل مؤثر بر قربانی» به سمت «کنترل مؤثر بر منبع خطر» و گسترش دامنه صلاحیت فراسرزمینی بر مبنای اثرات اقلیمی فرامرزی، می‌تواند زمینه‌ساز استقرار نوعی مسئولیت جهانی و توزیعی باشد که پیش‌تر صرفاً در مباحث فلسفه عدالت مطرح بوده است.

با این حال، نظام بین‌المللی حقوق بشر همچنان از نبود یک چهارچوب هنجاری یکپارچه برای پاسخ‌گویی حقوقی به تبعات اقلیمی رنج می‌برد. فقدان تصریح صریح حق بر محیط زیست سالم در متن بسیاری از اسناد کلاسیک نظیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، موجب اتکای بیش از حد بر تفسیر موسع از مواد دیگر نظیر ماده ۲ (حق حیات) و ماده ۸ (حق بر زندگی خصوصی و خانوادگی) شده است؛ تفسیری که با وجود ظرفیت‌های بالقوه، در مواجهه با پیچیدگی‌های فنی تغییرات اقلیمی، با محدودیت‌های جدی در اثبات نقض، احراز مسئولیت و تعیین جبران مواجه است.

افزون بر این، چالش‌هایی چون توزیع نابرابر بار اثبات علمی در دعاوی اقلیمی، عدم اجماع بر شاخص‌های سنجش نقض حقوق زیست‌محیطی، و مخاطرات ناشی از قضاوت جایگزین سیاست‌گذاری، همگی نشان می‌دهند که برای مواجهه مؤثر با بحران اقلیمی در چهارچوب حقوق بشر، نمی‌توان صرفاً به اصلاحات قضایی بسنده کرد. بلکه باید به سمت

طراحی و نهاده‌سازی یک رژیم حقوقی تلفیقی حرکت کرد؛ رژیمی که در آن، اصول حاکم بر عدالت اقلیمی (climate justice)، تعهدات فراملی، حقوق بین‌نسلی، اصل احتیاط، و مسئولیت مشترک ولی با تمایز، به صورت نظام‌مند در معماری حقوق بشر ادغام شوند. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌شود که با الهام از تحولات موجود، به ویژه قطعنامه ۱۳/۴۸ شورای حقوق بشر و نظر مشورتی دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر، فرآیند تدوین یک پروتکل جهانی مکمل برای حقوق بشر در عصر بحران اقلیمی آغاز گردد. این پروتکل می‌تواند ضمن شناسایی صریح «حق بر محیط زیست پاک، سالم و پایدار» به عنوان حق مستقل بشری، تعهدات مثبت و سلبی دولت‌ها را در قبال آلودگی اقلیمی، مهاجرت ناشی از تغییرات اقلیمی، و نابرابری‌های اقلیمی میان گروه‌های آسیب‌پذیر (اعم از زنان، کودکان، بومیان و نسل‌های آینده) نهادینه سازد.

در نهایت، اگر حقوق بشر را متعهد به صیانت از کرامت ذاتی انسان بدانیم، دیگر نمی‌توان آن را از بستر اکولوژیکی‌ای که حیات انسانی در آن شکل می‌گیرد جدا انگاشت. بنابراین، در عصر آنتروپوسن، مواجهه با بحران اقلیمی مستلزم آن است که حقوق بشر، نه به مثابه چارچوبی صرفاً واکنشی، بلکه به عنوان ابزاری بازتولیدکننده نظم هنجاری جدید برای جهانی ناپایدار ایفای نقش کند. چنین بازاندیشی‌ای، نه صرفاً ضرورتی اخلاقی، بلکه ضرورتی حقوقی، ساختاری و تمدنی برای بقا و خود نظم بین‌المللی است.

منابع

- امینی، اعظم؛ نساری، الناز و دریادل، احسان. (۱۴۰۳)، «نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم بعد از موافقت‌نامه پاریس». *دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر*، ۱۹، ۶۱-۴۵.
- خدیوی سهرابی، تورج؛ اشرافی، داریوش و عبدالحی، محسن. (۱۳۹۹). «بررسی میزان تأثیرگذاری الزامات حقوقی بین‌المللی مرتبط با کنوانسیون مبارزه با تغییرات اقلیمی در عملکرد کشورها». *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۱۰(۴۰)، ۳۷۹-۳۹۵.
- خوش‌منش، بهنوش؛ پوره‌اشمی، سیدعباس؛ سلطانی، محمد و هرمیداس باوند، داوود. (۱۳۹۴). «بررسی پیامدهای تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر». *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۱۷(۴) (مسلسل ۶۷)، ۲۴۸-۲۳۷.
- رمضان‌قوام آبادی، محمدحسین و میریان، سیده سارا. (۱۴۰۲). «پیامد تغییرات اقلیمی بر حقوق بشر فردی و جمعی، با نگاهی به رویه دولت‌ها و محاکم». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۶(۱۰۱)، ۱۶۶-۱۳۹.

- عرب اسدی، شیما. (۱۳۹۹). «نگرانی از تغییر اقلیم و همکاری ناگزیر بین‌المللی». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۰(۳)، ۹۸۷-۱۰۰۵.

References

- Feria-Tinta, M. (2021). "Climate Change Litigation in the European Court of Human Rights: Causation, Imminence and Other Key Underlying Notions. *Europe des Droits et Libertés*", 1(3), 52-71. <https://www.europedeslibertes.eu/article/climate-change-litigation-in-the-european-court-of-human-rights-causation-imminence-and-other-key-underlying-notions/> (2024/07/02)
- IPCC. (2021). "Summary for Policymakers". In V. Masson-Delmotte, P. Zhai, A. Pirani, S. L. Connors, C. Péan, S. Berger, N. Caud, Y. Chen, L. Goldfarb, M. I. Gomis, M. Huang, K. Leitzell, E. Lonnoy, J. B. R. Matthews, T. K. Maycock, T. Waterfield, O. Yelekçi, R. Yu, & B. Zhou (Eds.), *Climate Change 2021: The Physical Science Basis* (Working Group I Contribution to the Sixth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change).
- Koivurova, T., Duyck, S., & Heinamaki, L. (2013). "Climate Change and Human Rights". In E. J. Hollo, K. Kulovesi, & M. Mehling (Eds.), *Climate Change and the Law* (pp. 287-328). Springer.
- Narula, S. (2021). "Human Rights and Climate Change". In K. S. Coplan, S. D. Green et al. (Eds.), *Climate Change Law: An Introduction* (pp. 135-170). Edward Elgar Publishing.
- Nolan, A. (2021, October 20). "Children's Rights and Climate Change at the UN Committee on the Rights of the Child: Pragmatism and Principle in *Sacchi v. Argentina*. *EJIL:Talk*"! <https://www.ejiltalk.org/childrens-rights-and-climate-change-at-the-un-committee-on-the-rights-of-the-child-pragmatism-and-principle-in-sacchi-v-argentina/> (2024/07/02)
- Pedersen, O. W. (2020, September 22). "The European Convention of Human Rights and Climate Change-Finally"! *EjilTalk*. <https://www.ejiltalk.org/the-european-convention-of-human-rights-and-climate-change-finally/> (2024/07/02)
- Peel, J., & Osofsky, H. M. (2018). "A Rights Turn in Climate Change Litigation"? *Transnational Environmental Law*, 7(1), 37-67.
- Quirico, O., Bröhmer, J., & Szabo, M. (2016). "States, Climate Change and Tripartite Human Rights: The Missing Link. In O. Quirico & M. Boumghar" (Eds.), *Climate Change and Human Rights: An International and Comparative Law Perspective* (pp. 7-38).
- Rajamani, L., & Werksman, J. D. (2021). "Climate Change. In L. Rajamani & J. Peel (Eds.)", *The Oxford Handbook of International Environmental Law* (pp. 492-512). Oxford University Press.

- Sandvig, J., Dawson, P., & Tjelmeland, M. (2021, June 23). Can the ECHR Encompass the Transnational and Intertemporal Dimensions of Climate Harm? EJIL:Talk! <https://www.ejiltalk.org/can-the-echr-encompass-the-transnational-and-intertemporal-dimensions-of-climate-harm/> (2024/07/02)
- Savaresi, A. (2021, October 12). "The UN HRC Recognizes the Right to a Healthy Environment and Appoints a New Special Rapporteur on Human Rights and Climate Change". What Does it All Mean? EJILTalk. <https://www.ejiltalk.org/the-un-hrc-recognizes-the-right-to-a-healthy-environment-and-appoints-a-new-special-rapporteur-on-human-rights-and-climate-change-what-does-it-all-mean/> (2024/07/02)
- The Office of the High Commissioner for Human Rights. (2015). Understanding Human Rights and Climate Change (Submission to the 21st Conference of the Parties to the United Nations Framework Convention on Climate Change).
- CEDAW Committee. (2018, February 7). General Recommendation No. 37 on Gender-Related Dimensions of Disaster Risk Reduction in the Context of Climate Change. UN Doc CEDAW/C/GC/37.
- Drafting and Additional Protocol to the European Convention on Human Rights Concerning the Right to a Healthy Environment, Reply to Recommendation. (2010, June 19). Doc 12298. <https://pace.coe.int/pdf/c5fadc497c76ebe5bdd3077f831b0d2cf42c375a5367f3fe5c98e085c077326d/doc.%2012298.pdf> (2024/07/02)
- ECHR. (2021, July). Environment and the European Convention on Human Rights, Factsheet.
- Final Declaration by the Georgian Presidency of the Committee of Ministers: Environmental Protection and Human Rights, High-Level Conference organized under the aegis of the Georgian Presidency of the Committee of Ministers. (2020, February 27). <https://www.coe.int/en/web/human-rights-rule-of-law/final-declaration-by-the-presidency-of-the-committee-of-ministers> (2024/07/02)
- Joint Declaration on Human Rights and the Environment by the Outgoing and Incoming Presidencies of the Committee of Ministers. (2020, May 15). https://search.coe.int/cm/Pages/result_details.aspx?ObjectID=09000016809e59f9 (2024/07/02)
- Objet de l'affaire - Cláudia DUARTE AGOSTINHO et autres contre le Portugal et 32 autres États introduite le 7 septembre 2020, Requête no 39371/20.
- Objet de l'affaire et questions - Verein Klimaseniorinnen Schweiz et autres contre la Suisse introduite le 26 Novembre 2020 communiquée le 17 mars 2021, 6 Avril 2021.
- Recommendation 1613. (2003). <https://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/X2H-Xref-ViewHTML.asp?FileID=10403&lang=EN> (2024/07/02)

- Recommendation 1885. (2009, September 30). <https://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-en.asp?fileid=17777&lang=en> (2024/07/02)
- Resolution 2307. (2019, October 3). <http://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-EN.asp?fileid=28239&lang=en> (2024/07/02)
- Resolution 2396. (2021, September 29). <https://pace.coe.int/pdf/a1a2a7f0cde9d4423de566e20335704d29cf4be34aa45a8c38616ecd18fa80c0/resolution%202396.pdf> (2024/07/02)
- Resolution 48/13. (2021, October 18). UN Doc. A/HRC/Res/48/13. <https://undocs.org/A/HRC/RES/48/13> (2024/07/02)
- Resolution 48/14. (2021, October 5). UN Doc. A/HRC/48/L.23/Rev.1. <https://undocs.org/a/hrc/48/1.23/rev.1> (2024/07/02)
- Teitiota v. New Zealand. (2020, September 23). UN Doc CCPR/C/127/D/2728/2016. https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CCPR%2fC%2f127%2fd%2f2728%2f2016&Lang=en (2024/07/02)
- UN Commission on Human Rights. (1990, March 7). Convention on the Rights of the Child. E/CN.4/RES/1990/74.
- UN General Assembly. (2014, February 18). Protection of global climate for present and future generations of humankind: resolution adopted by the General Assembly. A/RES/68/212.
- UN Human Rights Committee. (2022, September 22). Views adopted by the Committee under article 5 (4) of the Optional Protocol, concerning communication. UN Doc CCPR/C/135/D/3624/2019.
- United Nations Convention to Combat Desertification. (n.d.). “Great Green Wall Initiative”. <https://www.unccd.int/actions/great-green-wall-initiative> (2024/07/02)
- United Nations General Assembly. (n.d.). The human right to a clean, healthy and sustainable environment. A/HRC/RES/48/13.
- United Nations. (2021). “Security Council Fails to Adopt Resolution Integrating Climate-Related Security Risk into Conflict-Prevention Strategies, Meeting Coverage”. <https://www.un.org/press/en/2021/sc14732.doc.htm> (2024/07/02)
- UNFCCC. (n.d.). <https://unfccc.int/process/parties-non-party-stakeholders/parties-convention-and-observer-states> (2024/07/02)